

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیاحت غرب

یاد و نوشت ارواح پس از مرگ

در عالم برزخ

تألیف : آقا نجفی قوچانی

نجفی، قوچانی، ۱۳۲۲-۱۲۵۶
 سیاحت غرب، یا سرنوشت ارواح پس از مرگ در عالم برزخ / تألیف نجفی
 قوچانی - قم: باریزان، ۱۳۹۸.
 ۱۲۸ ص. ۱۲۰۰۰ تومان شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۰۵۰-۲-۹
 فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
 کتاب‌نامه به صورت زیرنویس.
 ۱. نجفی قوچانی - محمد حسن، ۱۳۵۶ - ۱۳۲۲. معاد ۲. زندگی پس از
 مرگ. الف. عنوان ب. عنوان: سرنوشت ارواح پس از مرگ در عالم برزخ.
 ۹ مرداد ۱۳۹۸ / ۲۲ / ۲۲۲ BP ۲۹۷/۴۴ ۱۳۹۸

انتشارات باریزان

شناسنامه کتاب	
نام کتاب	سیاحت غرب (سرنوشت ارواح پس از مرگ در عالم برزخ)
مؤلف	مرحوم آقا نجفی قوچانی
صفحه آرائی	مجید بابکی رسکتی (۰۹۱۲۲۵۳۹۷۹۴)
ناشر	باریزان
شمارگان	۵۰۰
چاپخانه / نوبت چاپ	اول / ۱۳۹۸
قیمت	۱۲۰۰۰ تومان

مراکز پخش

قم: انتشارات باریزان - تلفن: ۰۹۱۹۵۸۸۴۴۷۰

«فهرست مطالب»

صفحه	عنوان
۵	مقدمه مؤلف
۶	سرانجام مردم
۸	تکیر و مُنکر
۱۴	آشنایی با «هادی»
۱۸	بررسی اعمال عمر
۱۹	فشار قبر
۲۱	توشه سفر
۲۲	بی مهری بازماندگان
۲۴	ملاقات امام زادگان و علما
۲۷	جدایی از «هادی»
۲۹	آشنایی با سیاه
۳۶	منزل اوّل بدون هادی
۳۷	آسایش موقت
۳۸	گوشه‌ای از کيفر کردار
۴۱	ورود به شهر ولایت
۴۳	در شهر «محبّت»



- ۴۶ دیدار مجدد با هادی
- ۴۹ پاداش مُتعه
- ۵۲ سرزمین شهوت
- ۵۷ سرزمین شکم پرستی
- ۵۸ وادی زشتی ها و زیبایی ها
- ۵۹ شهوتِ زبان
- ۶۲ ورود به وادی السَّلام
- ۷۸ در سرزمین حرص
- ۷۹ سرزمین حسد
- ۹۲ فروزان شدن آتش عشق
- ۱۰۷ انتقام در برهوت
- ۱۱۷ ورود به صحرای برهوت

مقدمه مؤلف:

بسم الله الرحمن الرحيم

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، مَالِكِ يَوْمِ الدُّنْيَا وَالِدِّينِ

درود بی پایان بر پیامبر اسلام و اولاد او باد که پزشکان تن و روان مردمانند، و از سخنان اوست:

«دوستی دنیا بیماری بزرگ است که همه بیماری‌های دنیا شاخ و

برگ اوست و یادآوری از مرگ - آرومی آن بیماری است».

اما بعد، این بنده خدا می‌گوید: پیش از این، یعنی در سال یکهزار و سیصد و هفت شمسی، گزارشات خود را از آغاز آموزگاری تا به انجام نوشتم، و نام آن نامه را «سیاحت شرق» نهادم، و در این هنگام که سال یکهزار و سیصد و دوازده شمسی است، گزارشات برزخی خود را می‌نویسم و نام این نامه را «سیاحت غرب» می‌نهم، تا یادگاری از من، و ملت اسلام را پند باشد. پرروشن است که بدن عنصری و مادی جهان طبیعت، حجابی است ضخیم، و پرده‌ای است سخت بر روی



دیدهٔ انسان از جهان دیگر، و انسان به مردن و بیرون شدن از این جهان مادی و برطرف شدن این پرده، می بیند و می رسد به چیزهایی که پیش از این نمی دید و نمی رسید.

﴿لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ عَنْ هَذَا، فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ، فَبَصُرَكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ﴾^۱

سرانجام مُردم

پس از یک دوره بیماری طولانی سرانجام مُردم، و دیدم که ایستاده‌ام و بیماری جسمی که داشتم ندارم و تندرستم، و خویشان من در اطراف جنازه برای من گریه می کنند، و من از گریه آنها اندوهگینم و به آنها می گویم: من مُرده‌ام، بلکه بیماری‌ام رفع شده است، ولی کسی گوش به حرف من نمی کند. گویا مرا نمی بینند و صدای مرا نمی شنوند. دانستم که آنها از من دورند. و من با دید آشنایی و دوستی به آن جنازه می نگرم، بخصوص بشوئهٔ چپ آن را که برهنه بود و چشم‌های خود را به آنجا دوخته بودم.

بعد از غسل و دیگر کارها جنازه را به طرف قبرستان بردند. من هم جزو مشیعین^۲ رفتم. در میان آنها بعضی از جانوران وحشی و مردگان از هر قبیل می دیدم و از آنها وحشت داشتم، ولی دیگران وحشت

۱- برآستی که تو از این امر غافل بودی، تا اینکه ما پرده را از جلو چشم تو کنار زدیم، لذا امروز چشمانت تیز می بیند «سوره ق، آیه ۲۲».

۲- تشیع کنندگان.



نداشتند و آنها نیز نسبت به آنان اذیتی نداشتند، گویا اهلی و به آنها مأنوس بودند.

جنازه را به گور سرازیر نمودند، من در گور ایستاده بودم و تماشا می‌کردم و در آن حال مرا ترس و وحشت گرفته بود، به ویژه هنگامی که دیدم در گور جانورهایی پیدا شدند و به جنازه حمله ور گردیدند، ولی آن مردی که در گور جنازه را خوابانید متعرض آن جانورها نشد، گویا آنها را نمی‌دید. و از گور بیرون شد. من از جهت علاقمندی به جنازه، برای بیرون بردن آن جانوران داخل گور شدم، ولی آنها زیاد بودند و بر من غلبه داشتند و دیگر آنکه مرا چنان ترس فرا گرفته بود که تمام اعضای بدنم می‌لرزید. از مردم دادوسی خواستم، ولی کسی به دادم نرسید و همه مشغول کار خود بودند، گویا هنگام میان گور را نمی‌دیدند.

ناگهان اشخاص دیگری در گور پیدا شدند که با کمک آنها آن جانوران فرار نمودند، خواستم از آنها بپرسم که: چه کسانی هستند؟ گفتند:

﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾^۱ و ناپدید شدند.

پس از فراغت از این هنگامه، ملتفت شدم که مردم سرگور را پوشانیده‌اند و مرا در میان گور تنگ و تاریک، ترک کرده‌اند. و می‌بینم آنها را که رو به خانه هایشان می‌روند و حتی خویشان و دوستان زن و بچه خودم که شب و روز در صدد آسایش آنها بودم. از بی وفایی آنان بسی اندوهناک شدم و از خوف و وحشت گور و تنهایی، نزدیک بود دلم بترکد.

۱- به راستی که کارهای نیک، بدیها و کارهای زشت را از بین می‌برند «سوره هود، آیه ۱۱۴».